

برنامه درسی، معادل فارسی واژه Curriculum و معرف یکی از رشته‌های تخصصی حوزه تعلیم و تربیت است. بر اساس شواهد موجود، رشته برنامه‌ریزی درسی مولود قرن بیستم است و بسیاری زمان آغاز آن را سال ۱۹۱۸، یعنی زمان انتشار کتاب فرانکلین بوبیت با عنوان *برنامه درسی* می‌دانند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۷). قصد محقق در اینجا ارائه تعارف متعدد و گوناگون از برنامه درسی نیست؛ چراکه به تعداد صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، از آن تعریف به‌دست داده شده است. لذا آیزنر (۱۹۹۳) می‌گوید: «برنامه درسی از یک هویت فیزیکی برخوردار نیست؛ بلکه یک اندیشه پیچیده می‌باشد، از این‌رو تعریف واقعی آن غیرممکن است» (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۵). به‌طور کلی برنامه درسی، به محتوای رسمی و غیررسمی، روش و آموزش‌های آشکار و پنهانی اطلاق می‌گردد که به وسیله آنها، شاگردان یک مدرسه، دانش لازم را به دست آورند، مهارت کسب کنند و گرایش و ارزش‌ها را در خود تغییر دهند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۱۵). درباره عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی نیز نظریات گوناگونی مطرح شده است؛ از جمله کلاسن (۱۹۸۵) معتقد است که این عوامل و عناصر عبارت‌اند از: هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، منابع و ابزار یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی دانش‌آموزان، راهبردهای تدریس و روش‌های ارزشیابی (قاسم‌پور دهقانی، و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۸)؛ ولی به‌طور کلی چهار عنصری که مورد اتفاق همه برنامه‌ریزان هستند، عبارت‌اند از: اهداف، محتوا، فعالیت‌های یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان و روش‌های ارزشیابی.

تربیت مصدر باب تفعیل است و از ماده «ربو» و به معنای زیاد کردن، نمو دادن، وسیله رشد را فراهم آوردن و پاک کردن آمده است (صانعی، ۱۳۸۰، ص ۱۱) و در معنای اصطلاحی عبارت است از به فعلیت درآوردن استعدادها، نهفته انسان در جهت کمال (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۴۳). بدیهی است که رسیدن به این کمال و شکوفایی استعدادها، بدون برنامه تربیتی ممکن نیست و انسانی که خلقتش هدفمند بوده، بنا به فرموده قرآن عبث آفریده نشده است (آیا می‌پندارید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم) (مؤمنون: ۱۵) نمی‌تواند به حال خود رها شده باشد. تربیت اسلامی یکی از بنیادی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی، فلسفه بعثت رسولان و مهم‌ترین وظیفه اولیای الهی است و قرآن، کلام و سخن خدا و کتاب هدایت و تعلیم و تربیت است، که راه‌های رشد و تکامل فرد و جامعه را به بهترین شیوه بیان کرده است و گنجینه‌ای گران‌بها از اصول جاودانه و همیشگی تعلیم و تربیت است.

بررسی تطبیقی عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی با قرآن کریم

mahdiamiri10@gmail.com

کچ مهدی امیری / عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

اکبر پرتابیان / کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه پیام نور

زهره امیری / کارشناس علوم قرآنی حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۶

چکیده

این پژوهش کیفی، با روش توصیفی-تحلیلی و اسنادی و با هدف تبیین و شناخت مفاهیم قرآنی متناظر با عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی، درباره اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی تعلیم و تربیت در قرآن کریم تدوین یافته است. در نظام تعلیم و تربیت قرآن، اهداف به دو صورت اهداف غایی و اهداف میانی ترسیم شده‌اند. از لحاظ محتوایی، به‌طور کلی قرآن دربردارنده مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، قوانین، روش‌ها و فعالیت‌هاست که با استفاده از معیارهایی همچون توالی، استمرار، تعادل، وسعت و وحدت و روش‌های تربیتی همچون تمثیل و شبیه‌سازی، مشاهده، پرسش، اردوی علمی، الگویی، موعظه و تذکر، و استدلال، در صدد دستیابی به تربیت معنوی و جسمی یا پرورش همه‌جانبه انسان است. رسیدن به این مقصود نیازمند خودارزیابی و ارزیابی بیرونی از طریق روش‌هایی مانند ابتلا، فتنه، محاسبه و مراقبه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عناصر برنامه درسی، قرآن کریم، محتوا، اهداف، روش‌ها، ارزشیابی.

قرآن رابطه‌ای عمیق با دو حوزه تعلیم و تربیت دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت زبان قرآن، زبان آموختن، یاد گرفتن و پرورش انسان‌هاست؛ زیرا همه آيات قرآن دارای پیام تربیتی‌اند و آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که ناظر به تربیت انسان نباشد. آیات احکام، آیات مربوط به مبدء و معاد، خانواده و اجتماع، قصه و سرگذشت امت‌های پیشین، همه دارای جنبه تربیتی‌اند و به بعدی از ابعاد تربیت اشاره دارند. از اینجاست که خداوند درباره قرآن می‌فرماید: «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵)؛ قرآن برای هدایت و تربیت مردم نازل شده است.

در زمینه چگونگی ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت و اینکه چه نوع رابطه‌ای میان آن دو وجود دارد، از چند جهت می‌توان سخن گفت: تعامل زبان قرآن با تعلیم و تربیت در جهت پرورش استعدادهاى نهفته در درون انسان، هماهنگی آن دو در رشد روحی و معنوی انسان، اهتمام قرآن به تعلیم و تربیت در استنباط عناصر اصلی آن مانند مبادی عام، مبانی، اهداف، اصول و شیوه‌های آموزش و پرورش، تأثیر برجسته زبان قرآن در فرایند تعلیم و تربیت در گذشته و حال و آینده، برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت بر اساس محوریت قرآن برای آینده نظام آموزشی و تربیتی جامعه، جهت‌دهی قرآن به تعلیم و تربیت به لحاظ محتوا و غنابخشی آن، توجه قرآن به ابعاد تعلیم و تربیت همچون ابعاد دینی، اخلاقی، عبادی، عاطفی، اجتماعی و امثال آن، و سرانجام، قرآن به منزله پشتوانه فکری و منبع اصلی استخراج مفاهیم مهم تعلیم و تربیت اسلامی (احسانی، ۱۳۸۷).

از دیدگاهی دیگر ارتباط قرآن با علم تعلیم و تربیت را دست‌کم به دو صورت می‌توان تصویر کرد:
۱. بهره بردن علم تربیت و تعلیم در مراحل مختلف از قرآن (از مباحث نظری گرفته تا به‌کارگیری یافته‌های آن در عمل)؛

۲. استفاده از یافته‌های علم تعلیم و تربیت در فهم بهتر مباحث تربیتی قرآن و به‌کارگیری بهتر آن در مرحله عمل (طوسی، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

مرور پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق نشان داد که اکرمی (۱۳۷۵) در تحقیقی با عنوان «قرآن کریم و برنامه‌ریزی درسی» به بررسی ویژگی‌های یک برنامه درسی در قرآن کریم به‌منزله یک کتاب درسی پرداخته، و وطنی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌هایی از قرآن به‌عنوان محتوای تربیتی با توجه به هدف‌های کلی تعلیم و تربیت» اصول، مبانی، هدف‌ها، روش‌های تربیتی و ارزشیابی در قرآن کریم را بررسی کرده است. همچنین حسینی‌زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی ارزشیابی آموزشی و انواع آن را در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، به بحث گذاشته، و

قندیلی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی واژه‌ها و مفاهیم اساسی برنامه درسی در قرآن و حدیث» به بررسی آیات و روایاتی پرداخته که به نوعی به مراحل برنامه‌ریزی درسی مربوط می‌شوند. صابری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در «سازمان‌دهی محتوای برنامه‌های درسی با الهام از آیات قرآن کریم»، معیارهای سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی در قرآن کریم را واکاوی کرده‌اند. به‌علاوه صادق‌پور (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «نگاهی به الگوهای مثبت و منفی در قرآن» به انواع الگوهای قرآنی و مصادیق آن توجه نشان داده، و باقری (۱۳۸۳) در پژوهشی اهداف، اصول و روش‌های تربیتی در قرآن را بررسی کرده است. نیز احسانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «زبان قرآن و تعلیم و تربیت» به بررسی مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت همچون مبادی، مبانی، اصول، روش‌ها و ابعاد تعلیم و تربیت در قرآن کریم، و هاشمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن پرداخته است. صدری‌فر و موسوی (۱۳۹۱) هم در تحقیقی با عنوان «شاخص‌ها و اهداف تربیتی انبیا ﷺ در قرآن» شاخص‌ها و اهدافی همچون اندیشه و خردورزی، تقوا، عدالت، تزکیه، تقرب، عبادت و حکمت در قرآن کریم را بررسی کرده‌اند. همچنین در تحقیقات پاکزاد (۱۳۹۰)، رستمی‌زاده (۱۳۸۲)، مصباح‌الهدی (۱۳۸۸)، عباسی‌مقدم (۱۳۸۲)، رضایی و حیدری (۱۳۹۱)، اخلاقی (۱۳۹۰)، حسنی (۱۳۸۴)، قائمی‌مقدم (۱۳۸۷) و حسین‌خانی‌نایینی (۱۳۸۷)، به بررسی و تحلیل روش‌ها و شیوه‌های تربیت در قرآن کریم پرداخته شده است.

بررسی آرای تربیتی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به‌ویژه تربیت اسلامی، بیانگر این مطلب است که فرایند تعلیم و تربیت انسان بر برنامه‌ای متضمن مبانی و اصول تربیت، اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی مبتنی است (باقری، ۱۳۸۳، ص ۵۳). براین‌اساس مسئله اساسی در پژوهش حاضر، تبیین و شناخت مفاهیم قرآنی متناظر با عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی است و هدف پژوهش عبارت است از کشف و بررسی موشکافانه و جزئی و موردی مصداق‌ها و آیات مرتبط با عناصر تخصصی و ویژه حوزه برنامه درسی که در پژوهش‌های پیشین کمتر کانون توجه قرار گرفته‌اند و یا به صورت کلی و مبهم ارائه شده‌اند. بنابراین تحقیق حاضر می‌تواند در نوع خود تحقیقی جامع و دقیق باشد. براین‌اساس چهار پرسش بنیادین طرح و بررسی شده است: ۱. اهداف تعلیم و تربیت در قرآن به چه صورت‌اند؟ ۲. محتوای تعلیم و تربیت و نحوه سازمان‌دهی و معیارهای آن در قرآن چگونه است؟ ۳. روش‌ها و راهبردهای تربیتی در قرآن چیست؟ ۴. ارزشیابی تربیتی در قرآن چگونه انجام شده است؟

۱. روش پژوهش

نوع این پژوهش، کیفی است و در آن از روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی استفاده شده است؛ بدین صورت که پس از تعیین عناصر چهارگانه برنامه درسی و نسبت آنها با تعلیم و تربیت اسلامی، به بررسی آیات متناظر با هریک از این مقوله‌ها با استفاده از جست‌وجو در قرآن کریم و نرم‌افزارهای قرآنی مرتبط، و نیز پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته شده است.

۲. ابزار تحقیق

گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای وصف و تحلیل عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی با قرآن کریم، با استناد به روش اسنادی از طریق غور در منابع و مآخذ مربوط، ارجاع مستقیم به قرآن کریم و نیز نگاره‌های الکترونیکی موجود صورت گرفته است. اطلاعات گردآوری‌شده، پس از طبقه‌بندی موضوعی، جهت وصف و تحلیل هر کدام از پرسش‌های پژوهش استفاده شده‌اند.

۳. یافته‌های پژوهش

نخستین پرسش پژوهش عبارت است از اینکه اهداف تعلیم و تربیت در قرآن به چه صورت‌اند؟ اهداف آموزشی، اساس هر آموزش اثربخش را تشکیل می‌دهند. مادام که اهداف آموزشی تعیین نشده است، نمی‌توان دوره را به‌طور منظم و مدون طراحی کرد تا به نتایج مورد نظر رسید. درواقع تعیین اهداف در عین اینکه نشان‌دهنده نقطه مطلوب است، محرکی برای آغاز فعالیت‌ها به‌شمار می‌آید. هر فعالیتی اعم از آموزشی و غیرآموزشی اگر فاقد هدف باشد، راه به جایی نمی‌برد و یا اگر نتیجه‌ای دهد، فاقد کارایی و اثربخشی لازم است. لذا تعیین اهداف یکی از مهم‌ترین امور در هر امری است.

از نظر جان دیوئی، هدف به‌منزله روشی است برای دگرگون ساختن موقعیت موجود، و هدف شایسته هدفی است که با توجه به اوضاع و احوال موجود اتخاذ شود. او می‌گوید هدف مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر است، و هدف خوب باید دارای دو ویژگی «توالی» و «پیش‌بینی» باشد (شعبانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵).

صاحب‌نظران هدف‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه داده‌اند. ایشان در یک دسته‌بندی هدف‌ها را به سه دسته هدف‌های غایی، کلی و آموزشی (رفتاری) تقسیم کرده‌اند. هدف‌های غایی، عبارت‌اند از غایات عالی، کمال مطلوب و آرزوهای ملی مردمان یک سرزمین. این آرمان‌ها از یک دید خیالی و تصور واهی و خوش‌بینانه نسبت به آینده برمی‌خیزند. دسته دوم هدف‌ها، هدف‌های کلی‌اند که درجه

کلیتشان کمتر است و از نظر وقت‌گیری میان‌مدت‌اند. دسته سوم هدف‌ها، هدف‌های آموزشی‌اند که به‌گونه مستقیم با زندگی و طرز عمل افراد، خانواده‌ها و جوامع در ارتباط‌اند و هم از لحاظ اجرایی و هم از نظر ماهیت محدودند و ملموس‌ترین نتایج تعلیم و تربیت در این سطح به دست می‌آید (شکوهری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

صاحب‌نظران برای هدف‌های تربیتی در اسلام پنج خط مشی عمده ذکر کرده‌اند. در خط مشی اول، نقطه آغاز تعیین هدف‌های تربیتی، عبارت است از جهان خلقت و آفرینش، و فرض بر این است که اگر مقصود و هدف از حیات روشن شود، هدف‌ها و غایات تعلیم و تربیت نیز به تبع آن روشن خواهند شد. در خط مشی دوم نقطه شروع هدف‌های تربیتی، خود انسان است و بحث بر محور بیان ماهیت و تبیین ابعاد وجودی انسان است. از این بعد انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است. لذا در این روش، برنامه آموزشی بر اساس بعد مادی و معنوی انسان تدوین می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برنامه‌های تکامل مادی و معنوی انسان در یکدیگر ادغام می‌شوند. در خط مشی سوم نقطه شروع، فرهنگ اسلامی است و درباره مشخصات و ویژگی‌هایی بحث می‌شود که این فرهنگ را از دیگر فرهنگ‌ها جدا و متمایز می‌سازند. در خط مشی چهارم، آغازگاه تعیین هدف‌های تربیتی، شناخت ملکات و صفاتی است که باید در یک انسان مؤمن و مسلمان و یا به‌اصطلاح روز، انسان «مکتبی» وجود داشته باشند. مهم‌ترین منبع شناخت این صفات، قرآن کریم و سنت و قول و فعل ائمه و معصومان علیهم‌السلام است. در خط مشی پنجم، نقطه شروع تعیین هدف‌های تربیتی، اساس دعوت اسلام و یا آن دسته از اصول و قواعدی است که می‌توان از آنها به‌منزله پیام‌های اسلام نام برد (حسینی، ۱۳۰۸، ص ۱۶۳ - ۱۵۴).

بر این اساس هدف‌های تعلیم و تربیت در اسلام و قرآن به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: اهداف غایی و اهداف میانی (کلی). هدف‌هایی همچون عبادت یا عبودیت، تقوا، هدایت، رشد، اندیشه و خردورزی، طهارت و حیات طیبه، قرب الهی، انسان کامل و قیام به قسط، جزو هدف‌های غایی به‌شمار می‌آیند (جدول شماره ۱) و اهدافی همچون پرورش روح عدالت‌خواهی، استقلال و عزت جامعه اسلامی، دوستی با ملل دیگر، تزکیه و تهذیب یا پرورش شخصیت اخلاقی و برادری، همکاری و تعاون و پرورش روح اجتماعی، جزو هدف‌های میانی یا کلی محسوب می‌شوند (جدول شماره ۲). مهم‌ترین خصلت اهداف میانی این است که در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند و عمدتاً در ارتباط با شئون مختلف شخصیت انسان از جمله جنبه‌های بدنی، ذهنی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و دینی‌اند (رضایور، ۱۳۸۰).

جدول شماره ۱. هدف‌های غایی تعلیم و تربیت در قرآن

هدف	آیات مرتبط	سوره	شماره آیه
عبادت (عبودیت)	«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»	ذاریات	۵۶
تقوا	«أُكْرِمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاءَكُمْ»	حجرات	۱۳
هدایت	«ثُمَّ هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»	انسان	۳
رشد	«فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» «أَلَا إِنَّ رَحْمَةَ رَبِّكَ لَشَدِيدَةٌ»	بقره	۱۸۶
اندیشه و تفکر	«وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»	آل عمران	۷
طهارت و حیات طیبه	«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ لِّحَيَاتِهِ حَيَاتٌ طَيِّبَةٌ»	نحل	۹۷
قرب الهی	«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَاتٌ»	واقعه	۱۰ و ۱۱
قیام به قسط	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»	نساء	۱۳۵

جدول شماره ۲. هدف‌های کلی تعلیم و تربیت در قرآن

هدف	آیات مرتبط	سوره	شماره آیه
روح عدالت‌خواهی	«وَأْمُرْ بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ»	شورا	۱۵
استقلال و عزت جامعه اسلامی	«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»	نساء	۱۴۱
دوستی با ملل دیگر	«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنِبْهُمْ» «سَيُجْعَلُ لَكُمْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَاطِلًا يُضِلُّونَ»	انفال	۶۱
تزکیه و تهذیب	«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» «وَبِنَا وَأَبْنَيْهِمْ رَسُولًا مُّتَّبَعًا وَمِمَّا كَفَرْنَا بِهِمْ لَقَدْ كُفِرْنَا بِهِمْ وَالْحِكْمَةُ وَبُرْهَانُهُمْ»	شمس	۹
تعاون و پرورش روح اجتماعی	«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ الْكَلِيمِ»	بقره	۱۲۹
		مانده	۲

دومین پرسش پژوهش عبارت بود از اینکه محتوای تعلیم و تربیت و نحوه سازمان‌دهی و معیارهای آن در قرآن چگونه است؟ محتوای درسی، مجموعه اصطلاحات، اصول و قواعد، قوانین، مفاهیم و به‌طور کلی دانش سازمان‌یافته یک رشته علمی است (لوی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). محتوای برنامه درسی به مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، قوانین، روش‌ها، فعالیت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها اطلاق می‌شود که با آموزش آنها به یادگیرنده، زمینه‌های تحقق هدف‌های یادگیری فراهم می‌آید (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

از لحاظ محتوایی قرآن شامل موضوعات مختلفی همچون علوم طبیعی (نجوم، مهندسی ساختمان، زمین‌شناسی و...) (الرحمن: ۱۷)، بهداشت و تغذیه (بقره: ۶۱، ۲۶۱ و ۲۲۲؛ انعام: ۹۹)، داستان و تمثیل، علوم اجتماعی (علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و...) (مؤمنون: ۴؛ مائده: ۲؛ یوسف: ۱۳؛ انبیاء: ۳۷) است (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴). اگرچه قرآن کریم درباره

موضوعات متعدد علمی سخن گفته و حتی مسائل عقلی صرف، در آن آمده است، نمی‌توان قرآن را به یکی از دانش‌ها اختصاص داد و گفت مثلاً قرآن کتاب اقتصاد یا حقوق است؛ چراکه شأن قرآن و فلسفه نزول آن اقتضای بیان تفصیلی دانش‌های علمی را ندارد تا پذیرای چنین تعبیراتی باشد. با این حال تعلیم و تربیت انسان چیزی است که با شأن قرآن همخوانی دارد و شاید بتوان مدعی شد که مهم‌ترین فلسفه نزول قرآن، پرورش روحی و معنوی افراد بشر است؛ زیرا فلسفه نزول قرآن نمی‌تواند جدا از فلسفه بعثت پیامبر اکرم ﷺ باشد. خداوند در آیات پرشمار، فلسفه رسالت پیامبر اسلام ﷺ را تعلیم و تربیت معرفی کرده است (جمعه: ۲) (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). لذا محتوای قرآن به‌طور کلی مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، قوانین، روش‌ها و فعالیت‌ها برای تربیت و پرورش روحی و معنوی و جسمی یا پرورش همه‌جانبه انسان است.

محتوایی که برای تحقق هدف برنامه درسی معنوی در نظر گرفته می‌شود باید اولاً با هدف برنامه درسی معنوی که رسیدن به معنویت است متناسب باشد و ثانیاً به شرایط ذهنی، عاطفی، عقلی و جسمی فراگیران توجه لازم را مبذول کند و ثالثاً با مبانی دین هماهنگ باشد. به عبارت دیگر، برنامه طراحی شده باید با هدف آفرینش هماهنگ باشد؛ ویژگی‌های روانی انسان و توان و شرایط او را در نظر بگیرد؛ نسبت به ابعاد فردی، اجتماعی، زمانی و مکانی انسان بی‌اعتنا نباشد؛ تمام دوران زندگی انسان را در نظر بدارد و به عبارتی ابزار معنوی همه‌جانبه پدید آورد؛ به‌گونه‌ای که انسان بتواند در هر موقعیتی از این ابزار برای تقرب به خدا و رسیدن به معنویت استفاده کند. لذا قرآن کریم می‌تواند به‌منزله بهترین منبع برای تدوین محتوا در نظر گرفته شود (قاسم‌پور دهاقانی، و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۸۴). در محتوای برنامه درسی دینی و معنوی باید این شاخص‌ها را در نظر گرفت: ۱. دیدگاه اسلام درباره خالق، ۲. آفرینش بشر و هدف از آن، همچون عبادت، ترویج نیکی و پرهیز از بدی و تبلیغ پیام اسلام، ۳. ارتباط انسان با خالق و التزام عملی در برابر او، ۴. ارتباط انسان با دیگران، ۵. روابط انسان با محیط به‌گونه‌ای که از طریق شناخت مخلوقات به خداوند برسد، ۶. کسب شرح صدر و زمینه لازم برای اصلاح خود، ۷. رشد برخی عادات اسلامی که به عمل اسلامی منجر شوند، ۸. سرنوشت و تقدیر انسانی، یعنی افزایش احساس مسئولیت با ارزیابی نقش خود (قاسم‌پور دهاقانی، و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). قرآن کریم به‌منزله یک منبع غنی از شاخص‌های مزبور، می‌تواند محتوایی برای تربیت همه‌جانبه افراد در نظر گرفته شود.

۱-۳. سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی

سازمان‌دهی محتوا و تجربه‌های تربیتی به معنای قرار دادن هریک از عناصر محتوایی در جایگاه مناسب است؛ به گونه‌ای که بهترین شکل دستیابی به هدف‌های تربیتی را آسان سازد. برقراری ارتباط میان بخش‌های مختلف محتوا و تجربه‌های یادگیری باید مبتنی بر نوع سازمان منطقی و روان‌شناختی به شکل توأمان صورت پذیرد. سازمان منطقی، مبتنی بر منطق هریک از رشته‌های علمی است و سازمان روان‌شناختی، رعایت تنظیم محتوایی به لحاظ شرایط و ویژگی‌های مخاطبان برنامه است (تایلر، ۱۳۷۶، ص ۲۹). محتواهای درسی در قالب الگوهای مختلفی سازمان داده می‌شوند؛ به صورت دروس مستقل و درهم‌تنیده (تلفیقی) (پاتریشیا و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۰).

در سازمان‌دهی برنامه درسی، عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی در یک نظام آموزشی با یکدیگر ارتباط و توالی می‌یابند. سازمان‌دهی محتوای درسی به‌طور کلی به دو صورت افقی و عمودی است (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۲۳). مایرز و مایرز درخصوص الگوهای سازمان‌دهی محتوا از یک پیوستار استفاده کرده‌اند که در یک طرف آن رویکرد موضوع‌محور، و در سوی دیگر آن رویکرد دانش‌آموز‌محور قرار دارد (مایرز و مایرز، ۱۹۹۰، ص ۶۸). در بحث سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی، شیوه سازمان‌دهی موضوع‌مدار، موازی‌سازی رشته‌های علمی، چندرشته‌ای، میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در ارتباط افقی و شیوه‌های سازمان‌دهی از ساده به مشکل، از کل به جزء، از عینی به ذهنی، از جزء به کل، ماریچی، ساختار دانش، علایق به رشته‌های علمی، توسعه تدریجی مفاهیم، توالی زمانی و از مسئله تا کشف در ارتباط عمودی بررسی می‌شوند. در بحث الگوهای برنامه‌ریزی، الگوهای ارائه‌شده در دو گروه کلی (الگوهای تکنیکی علمی و الگوهای غیرتکنیکی) طبقه‌بندی می‌شوند. در الگوهای تکنیکی علمی، تأکید بر محتواست. رویکرد از ساده به مشکل و ساختار رشته علمی را می‌توان در این الگو در نظر گرفت. در الگوهای غیرتکنیکی که فعالیت فراگیران، مدار و محور برنامه درسی است، بیشتر بر علایق فراگیر تأکید می‌شود. می‌توان انواع مختلف سازمان‌دهی فرارشته‌ای در ارتباط افقی و شیوه‌های سازمان‌دهی از مسئله تا کشف را در ارتباط عمودی در این الگو قرار داد. میان دو الگوی تکنیکی علمی که فرایند برنامه‌ریزی درسی را به صورت خطی می‌نگرد و از بالا به پایین اعمال اراده و قدرت می‌کند و الگوی غیرتکنیکی که فرایند برنامه‌ریزی درسی را به صورت کاملاً باز در نظر می‌گیرد و از پایین به بالا تجربه‌های فراگیر را جهت می‌دهد، می‌توان یک الگوی حد وسط در نظر گرفت که در آن تنها بر محتوا تأکید نمی‌شود، بلکه وجود خود فراگیر یک منبع غنی محتوا به‌شمار می‌آید. در این‌باره، شیوه‌های سازمان‌دهی چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای را در

ارتباط افقی و شیوه سازمان‌دهی از عینی به ذهنی، ماریچی و توسعه تدریجی مفاهیم را در ارتباط عمودی می‌توان عناصر موافق نظام برنامه‌ریزی درسی در این الگوی حد وسط به‌شمار آورد (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

در رویکرد رفتاری برنامه‌ریزی درسی نیز سازمان‌دهی محتوا از مهم‌ترین مراحل برنامه‌ریزی درسی است که در آن، گروه برنامه‌ریزی درسی با توجه تصمیماتی که در بخش طراحی برنامه درسی گرفته شده به تولید و شکل‌دهی محتوا و سازمان‌دهی آن با توجه به فعالیت‌های یاددهی-یادگیری مورد نظر می‌پردازند. به‌طور کلی سازمان‌دهی محتوا، نحوه و چگونگی ارائه محتوای برنامه درسی بر پایه ملاک‌های مشخص شده است (چوپینه، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

معیارهایی در دستیابی به بهترین سازمان‌دهی محتوا باید رعایت شود که از جمله اساسی‌ترین آنها می‌توان به این زمینه‌ها اشاره داشت: ۱. توالی، ۲. استمرار، ۳. تعادل، ۴. وسعت، ۵. وحدت. توالی و استمرار، ناظر بر شیوه‌های سازمان‌دهی عمودی محتوا، و وسعت مربوط به سازمان‌دهی افقی است (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۱۸). در ادامه بحث، هریک از این معیارهای سازمان‌دهی محتوا و مصادیق آن در قرآن کریم را شرح می‌دهیم (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. اصول سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی و برخی مصداق‌های قرآنی

عنوان اصل	آیه	سوره	شماره آیه
قیاسی	«لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَنَسَدْتَا»	انبیاء	۲۲
استقرایی	«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ..... سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَمِ الْفَجْرِ»	قدر	کل آیات
از عینی به ذهنی	«مَّةَ الْحِجَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ..... مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ»	محمد	۱۵
نظم پیدایش و قیام	«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا»	غافر	۶۷
توالی			
از حال به گذشته و بالعکس	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»	بقره	۱۸۳
معلوم به مجهول	«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِّن نَّفْعِهِمَا»	بقره	۲۱۹
مجهول به معلوم	«قَارِعَةً مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ»	قارعه	۱۱-۱
مجاز به حقیقت	«وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»	الرحمن	۲۷
استمرار	ذکر نعمت‌ها در آیات مختلف «وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ»	الرحمن قمر	کل سوره ۱۷-۲۲-۳۲-۴۰
تعادل	«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»	بقره	۱۴۳
وسعت	«وَأَتَيْنَا فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا»	قصص	۷۷
وحدت	«أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّبُلٍ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا»	مریم	۶۷
	«هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ»	ملک	۳

۱-۳. توالی

توالی عبارت است از اینکه تجربه‌های یادگیری تعیین شده با چه نظمی باید مرتب شوند. در این زمینه چندین شیوه از جمله کلی به جزئی (قیاسی)، جزئی به کلی (استقرایی)، از عینی به ذهنی، بر اساس نظام کرونولوژیکی وقایع، از حال به گذشته و از ساده به مشکل مورد توجه‌اند (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۲۲). مفهوم توالی در قرآن از سویی به مسائلی مربوط می‌شود که با سطح فکری مخاطب متناسب باشند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر: ۱۷). آسان کردن قرآن برای ذکر این است که آن را طوری به شنونده القا کند که فهم مقاصدش برای عامه و خاصه آسان شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۱). از سوی دیگر، «توالی به موضوع دانش پیش‌نیاز مربوط می‌شود و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه نوع اطلاعاتی می‌توانند زمینه را برای یادگیری اطلاعات دیگر فراهم کنند» (موسی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳). مفهوم توالی که مرتبط با نحوه چیدمان محتوا و مطالب است، دربرگیرنده این موارد است:

۲-۱-۳. استمرار

منظور از تکرار، مداومت عناصر اصلی است؛ به‌گونه‌ای که فرصت‌های مداوم تمرین و تکرار فراهم شود. به کار بردن این مفهوم در قسمت‌های مختلف درس به‌طور پی‌درپی و مکرر اهمیت دارد و بر یادگیری مؤثر است (تایلر، ۱۳۷۶، ص ۴۵). «عناصر اصلی یک محتوا بایستی در طول زمان از راه تجربه و آزمایش تکرار شوند. به عبارت دیگر، برای ایجاد مهارت‌های خاص در فراگیران، باید زمان لازم برای پرورش آن مهارت و ارائه فرصت‌های کافی به فراگیران در محتوا داده شده باشد» (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹).

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ **نهج البلاغه** می‌فرمایند:

قرآن نوری است که خاموشی ندارد؛ چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد؛ دریایی است که زرفای آن درک نشود؛ راهی است که رونده آن گمراهی ندارد؛ شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود؛ جداکننده حق و باطل است که درخشش برهانش خاموش نگردد؛ بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود (حاج غلامرضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳-۱۷۰).

این سخنان خود به نوعی دلیل روشنی بر مداومت و استمرار کتاب آسمانی قرآن هستند.

همچون دیگر فعالیت‌های یادگیری، در آموزش ارزش‌ها نیز مداومت و استمرار در تکرار و تمرین محتواهای ارزشی می‌تواند تأثیری بسزا بر یادگیری، و سرانجام تثبیت ارزش‌ها در ضمیر فراگیران داشته باشد (همان، ص ۱۷۵).

تکرار از ویژگی‌های محتوایی قرآن کریم است. این تکرار در قالب داستان، به صورت دستور به پیامبران و خطاب به مردم و در قالب نعمت‌ها و موارد دیگر (فَإِنَّ مَلَاعُسَدُ يُسَدُ رَأً إِنَّ مَلَاعُسَدُ يُسَدُ رَأً) (شرح: ۵ و ۶) دیده می‌شود. مثلاً در سوره الرحمن، در آیات پرشماری به ذکر نعمت‌های دنیوی و اخروی پرداخته شده است (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۳۸) (جدول شماره ۳).

۳-۱-۳. تعادل

در قرآن کریم آیات پرشماری درباره رعایت تعادل وارد شده است که برخی از آنها به‌طور موضوعی بدین شرح‌اند:

۱. رعایت تعادل در نیازهای مادی: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَكُلْتُمْ رِفُؤًا» (اعراف: ۳۱)؛ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید؛
۲. تعادل نیازهای مادی و معنوی: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷)؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، یا «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۷)؛ مردانی که خرید و فروش آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد؛
۳. تناسب و ارتباط روح با جسم: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحٍ» (ص: ۷۲)؛ پس زمانی که اندامش را درست و معتدل نمودم و از روح خود در او دمیدم؛
۴. تعادل در برقراری ارتباط با دیگران (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳-۱۴۱).

لذا آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به‌گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند؛ چراکه خدای سبحان امت اسلامی را امتی متعادل و میانه‌رو معرفی می‌کند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً سَوَّاءً» (بقره: ۱۴۳) (گلستانی و شکریان دهکردی، ۱۳۸۷، ص ۹) (جدول شماره ۳). از سوی دیگر محتوای برنامه درسی، وسیله رشد یادگیرنده است و هندسه آن باید با هندسه فطرت متوازن باشد. در وجود فرد جنبه‌های الهی، معنوی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و جسمانی قرار داده شده است. محتوا با این ابعاد باید تا حدود بسیاری هم‌وزن باشد. اگر محتوا یکی از ابعاد وجود را تقویت کند، ولی به دیگر ابعاد فطری بی‌توجه باشد، انسان یک‌بعدی پرورش می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۷)؛ لذا قرآن کریم به‌منزله کتابی جامع که با فطرت انسانی سازگار است، به‌منزله محتوایی که می‌تواند تعادل و توازن را در زمینه محتوای پرورشی رعایت کند حایز اهمیت است.

وسعت، شمول محتواسست و بر تفکر و دیگر هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت مبتنی است (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۳۱). شمول، لفظی است که دارای معنایی است و این معنا می‌تواند معنای لفظ دیگر را دربر گیرد (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۷). مفهوم وسعت در عناصر هدف، روش، محتوا و ارزیابی قابل بررسی است (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳).

در قرآن کریم، خلقت انسان از دو جنبه طبیعی و فراطبیعی کانون توجه قرار گرفته است (که این خود نوعی وسعت و شمول خلقت انسان است). البته قرآن انسان را دارای دو حقیقت همسان و مساوی نمی‌داند، بلکه یکی را اصل و دیگری را فرع قرار داده است. برخی از آیات قرآن به جنبه طبیعی انسان پرداخته‌اند؛ از جمله اینکه «جسم او از عدم آفریده شده» (مریم: ۶۷) و مراحل سیر از خاک، نطفه، علقه و مضغه را پیموده است؛ اما عمده مباحث قرآن درباره انسان، مربوط به بعد فراطبیعی اوست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۲) و به‌طور کلی، هدف غایی خلقت، انسان کامل است (شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۶). در قرآن کریم، کمال انسان و به‌فعلیت رساندن توانایی‌های عالی او، یکی از محوری‌ترین و بنیادی‌ترین موضوعات است، که با تعابیر مختلفی همچون خلیفه‌الله (بقره: ۳۰)، اولیاءالله (یونس: ۶۲)، ابرار (انفطار: ۱۳)، اخیار (صاد: ۴۸)، اولی الامر (نساء: ۵۹)، و ائمه (انبیاء: ۷۳) از آن یاد شده است.

همچنین در قرآن کریم موضوعات گوناگونی از جمله تغذیه و بهداشت جسم و روح (بقره: ۲۶۱، ۶۱ و ۲۲۲)، علوم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مناسبات فرهنگی با دیگر اقوام و ملل، هنرها و فنون، مسائل خانوادگی و... مطرح شده است که این تنوع، خود معرف شمول محتوایی این مصحف شریف است (جدول شماره ۳).

۴-۱-۵. وحدت و یکپارچگی

وحدت عبارت است از ارتباط افقی تجربیات یادگیری. هنگامی که فردی قادر باشد آنچه را در کلاس فرا گرفته است به یادگیری در کلاسی دیگر ارتباط دهد وحدت به وجود آمده است (سیلور و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۵۹). محتوای برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که برداشت‌های فراگیران در دروس مختلف در جهت تأیید یکدیگر باشند؛ یعنی میان مطالب و تجارب، پیوستگی و ارتباط وجود داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹).

درباره وحدت در قرآن کریم دو موضوع درخور بررسی است: وحدت بیرونی و وحدت درونی. در وحدت بیرونی، خالق اثر، یعنی خداوند تبارک و تعالی، اثر (قرآن کریم) را به گونه‌ای

ارائه کرده که ادراک بهتری از سوی مخاطب صورت گیرد. برای مثال نظریه هدفمندی سوره‌ها و آیات قرآن (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۶) از جمله موضوعاتی است که کانون توجه محققان و مفسران بوده است. در وحدت بیرونی، مخاطب، محتوا و موضوعات را به گونه‌ای در ذهن خود سازمان می‌دهد که درکی بهتر از اجزا و کل محتوا در ذهن او صورت پذیرد (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵-۱۴۶). «در برنامه‌ریزی درسی، مفهوم وحدت بر این مسئله تأکید دارد که آموخته‌های فرد در ذهن او واجد ساختار شوند. این فعالیت به وسیله ذهن صورت می‌گیرد و به اطلاعات، ساخت خاصی می‌بخشد» (موسی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱). «لذا سازمان‌دهی محتوای قرآن هرگونه که باشد، اشخاص بر اساس ساختار ذهنی و نظریه ذهن خود و متناسب با درجه ایمان و فهم خود از متن، درکی از مضامین قرآن دارند که ممکن است با دیگری متفاوت باشد. تفاسیر و برداشت‌های قرآن کریم بر همین اساس است» (صابری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶).

خداوند سبحان وحدت و انسجام قرآن کریم را در آیاتی، به وحدت و انسجام جهان هستی و آفرینش (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۸) تشبیه کرده است که ماهیت و عملکرد آنها در چارچوب نظام‌های اندامواره‌ای شناخته می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید همان‌گونه که در جهان آفرینش هیچ ناهماهنگی و فطوری وجود ندارد (هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ) (ملک: ۳) قرآن کریم نیز اختلاف و تضاد درونی ندارد (وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء: ۸۲) (لطفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷) (جدول شماره ۳).

سومین پرسش پژوهش عبارت بود از اینکه «روش‌ها و راهبردهای تربیتی در قرآن چیست؟» «روش» در اصطلاح کارشناسان امور تربیتی عبارت است از: دستورالعمل‌های جزئی و شیوه‌های رفتاری مبتنی بر مبانی و اصول تربیتی که نحوه رفتار معلم و مربی را در اجرای فرایند تربیت معین می‌کند (باقری، ۱۳۸۳، ص ۶۴). راهبردهای یاددهی-یادگیری به سبک‌ها و روش‌هایی اشاره دارد که تجربه‌های تربیتی مخاطبان در فرایند آموزش، بدان‌گونه شکل می‌گیرد. این روش‌ها گوناگون‌اند که باید به تناسب ویژگی‌های مخاطبان و نوع محتوا و امکانات انتخاب شوند. تقریباً می‌توان گفت مجموعه راهبردهای آموزشی به دو دسته کلی فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند. از جمله روش‌های فعال، شیوه اکتشافی یا حل مسئله است و از جمله روش‌های غیرفعال، شیوه توضیحی یا سخنرانی (قندیلی، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

یکی از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام تنوع روش‌های تربیتی آن است. در مکتب اسلام برای تربیت افراد از روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود؛ روش‌هایی همچون تلفیق علم و عمل، روش عقلانی، امر به معروف و نهی از منکر (نحل: ۹۰)، جهاد، پاداش و تنبیه، توبه، ذکر مثل (شریعت‌مداری، ۱۳۷۰، ص ۶۱)،

روش الگویی (انبیاء: ۷۳؛ انعام: ۹۰؛ ممتحنه: ۴)، موعظه (مریم: ۴۳؛ بقره: ۵۴؛ مائده: ۲۰؛ انعام: ۱۳۵؛ نحل: ۱۲۵؛ سبأ: ۴۶)، محبت و مهرورزی (مریم: ۴۵-۴۲؛ یوسف: ۸۷، ۹۶)، عبرت‌آموزی (روم: ۹؛ یونس: ۱۰۱؛ آل عمران: ۱۳۷)، تشویق و تنبیه (مدثر: ۳۶؛ بقره: ۹۷، نوح: ۳ و ۴) که همه این روش‌ها را می‌توان ذیل مفهوم تذکر نام‌گذاری کرد؛ چراکه بیشتر آیات قرآن و بلکه کل قرآن، برای تحقق تذکر و تدبیر آمده است: «كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ» (مدثر: ۵۴ و ۵۵) (فائمی‌مقدم، ۱۳۸۷، ص ۶۲). انذار و تبشیر (انعام: ۴۸)، پند و اندرز، احترام و تکریم، منطق و استدلال (بقره: ۱۱۱)، مجادله و گفت‌وگو (بقره: ۱۷۰)، قصه و داستان (غافر: ۷۸) و نظایر آن شیوه‌هایی‌اند که در قرآن کریم و در زمینه تعلیم و تربیت امت‌ها از آنها نام برده شده است (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۲) (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. مصداق‌هایی از روش‌های تربیت در قرآن

روش تربیتی	آیات مرتبط	سوره	شماره آیه
تمثیل و شبیه‌سازی	«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْغَنِيِّ اتَّخَذَ بَنِيًّا» وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا حَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَتْرَأْتَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاتَّخِطُّ بِهِ ثَبَاتٌ فَأَنْبَسَ مِنْهَا صَائِحٌ هَيْبِيًّا تَذَرُوهُ الرِّيَّاحُ»	عنکبوت کهف	۴۱ ۴۵
ابتلا و امتحان	«وَلِتَبْلُوَكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ لِمَجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالضَّالِّينَ وَلِتَبْلُوَ أَخْيَارَكُمْ»	محمد	۳۱
جدال و مناظره نیکو	«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ..»	بقره	۱۷۰
روشی کنایه	«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ»	اسراء	۲۹
قصه‌گویی	«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ نَصَصْنَا عَلَيْكَ»	غافر	۷۸
مشاهده	«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»	غاشیه	۱۷
تلقین (گفتاری، رفتاری)	«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»	فرقان	۶۳
پرسش	«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»	زمر	۹
اردوی علمی	«مَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»	یوسف	۱۰۹
الگویی	«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»	احزاب	۲۱
موعظه و تذکر	«دَعِ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»	نحل	۱۲۵
محبت و مدارا و مهرورزی	«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» «وَاللَّيْلِ عَلَيْكَ حَبِيبَةٌ مَنِي رُلِّصْتُمْ عَلَيَّ عَيْبِي»	آل عمران طه	۱۵۹ ۳۹
امر و نهی	«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»	نحل	۹۰
عبرت‌آموزی	«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»	روم	۹
انذار و تبشیر	«وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَإِنذِرِينَ» «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»	انعام یوسف	۴۸ ۵۳
تکریم	«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْحَبْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»	اسراء	۷۰
مباحثه و گفت‌وگو	«وَجَادِلْهُمْ بَالِيٍّ هِيَ أَحْسَنُ»	نحل	۱۲۵
عفو و گذشت	«لِيَعْفُوا وَيُلِيِّصُوا»	نور	۲۲
استدلال	«قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَ»	بقره	۱۱۱

با مطالعه آیات الهی روشن می‌شود که طیف گسترده‌ای از شیوه‌ها در قرآن به کار رفته است، تا مخاطبان در شرایط گوناگون اقناع شوند و به پیروی از دستورهای هدایت‌آفرین و سعادت‌گزین خود وادار گردند؛ که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را در دو دسته شیوه مستقیم (موعظه، امر و نهی، استدلال و...) و غیرمستقیم (انذار و تبشیر، یادآوری نعمت‌ها، عبرت‌آموزی، محبت و مهرورزی و...) قرار داد (عباسی‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۴۴).

اما چهارمین پرسش پژوهش عبارت بود از اینکه «ارزشیابی تربیتی در قرآن به چه صورت است؟»

آزمایش و ارزشیابی در قرآن کریم با نام‌هایی همچون ابتلا، فتنه، محاسبه و مراقبه آمده است. درباره فلسفه آزمایش، قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَلِيَّبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۵۴)؛ برای این است که خدا آنچه را در سینه‌هایتان دارید بیازماید و آنچه را در سینه‌هایتان است پاک و خالص گرداند و خدا به راز سینه‌ها آگاه است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

خداوند با صراحت هرچه تمام‌تر، آزمایش را عنصر تفکیک‌ناپذیر دعوت انبیا می‌داند: «و ما هیچ پیامبری را در هیچ آبادی و شهری نفرستادیم، مگر آنکه مردم آن را به سختی (بینوایی) و گزند (بیماری) گرفتار کردیم تا شاید زاری کنند» (اعراف: ۹۴). این آیه و نظایر آن (انعام: ۴۲) نشان می‌دهند که دست‌کم بخشی از امتحانات الهی با رسالت انبیا علیهم‌السلام هم‌زمان است. گویا خداوند انتظار بیشتری از مؤمنان دارد و آنان را می‌آزماید تا مؤمنان واقعی، خود را نشان دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

دو دسته گزاره در متون اسلامی درباره ارزشیابی مطرح است:

دسته اول گزاره‌هایی که مسئله ارزشیابی و ضرورت آن را به‌طور کلی مطرح کرده‌اند؛ دسته دوم گزاره‌هایی است که مسئله ارزشیابی آموزشی و احیاناً چگونگی آن را به صورت ویژه مطرح می‌کنند.

درباره دسته اول آیاتی در قرآن کریم وجود دارند که از فتنه و امتحان انسان سخن می‌گویند: «حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲)؛ آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

جدول شماره ۵. مصداق‌هایی از ارزشیابی و انواع آن در قرآن

ارزشیابی	آیات مرتبط	سوره	شماره آیه
خودارزیابی	«فَمَنْ أَتَقَىٰ وَأَصْلَحَ»	اعراف	۳۵
ارزیابی بیرونی (از طرف خداوند)	«وَإِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ»	بقره	۲۸۴
ابتلا	«رَأَيْدُ ابْنِ آدَمَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ نَاتِمِهِنَّ»	بقره	۱۲۴
فتنه	«أَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»	انفال	۲۸
محاسبه	«وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»	نساء	۶
مراقبه	«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» «وَلَنَنْظُرَنَّ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ لِقَدِّ»	علق حشر	۱۴ ۱۸
مشارطه	«أَلَمْ نُعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا لِلشَّيْطَانِ»	یس	۶۰
معاتبه	«وَلَا أَقْسَمُ بِالنَّفْسِ الْوَالِئَةِ»	قیامت	۲
مجاهده	«وَمَنْ جَاهَدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ»	عنکبوت	۶

در مفهوم ارزیابی قرآن به دو نوع ارزیابی اشاره می‌کند:

اول مقوله خودارزیابی است؛ آنجا که از مردم می‌خواهد از گناهان پرهیزند و با اعمال شایسته، خود را ارزیابی کنند (اعراف: ۳۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶)؛ یا در جایی دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر کسی بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است» (حشر: ۱۸) که این نوع از ارزیابی نوعی تشویق به محاسبه نفس است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱)؛ و ملاک این خودارزیابی چنان‌که در برخی روایات آمده است (من استوی یوماه فهو مغبون) (صدوق، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۶۶) پیشرفت نسبت به روز قبل است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

دوم به موضوع ارزیابی از طرف خداوند (ارزیابی بیرونی) اشاره می‌فرماید: «وَإِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۴)؛ آنچه در دل دارید یا اظهار کنید، همه مورد محاسبه خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶). یا در جایی دیگر می‌فرماید: «و شما را با بدی و خوبی می‌آزمایم» (انبیاء: ۳۵) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۸۳) (جدول شماره ۵).

درباره روش‌های ارزشیابی تربیتی می‌توان از روش‌هایی همچون مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاقبه، مجاهده و معاتبه نام برد (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۱۹۲-۱۴۹). مشارطه را می‌توان تعیین اهداف تلقی کرد که با توجه به ارزشیابی تشخیصی یا ورودی مشخص می‌شود و منظور از آن شرط کردن با نفس خویش است. همچنین مراقبه را می‌توان نظارت و کنترل بر عمل که همان ارزشیابی تکوینی است، و محاسبه را می‌توان ارزشیابی پس از عمل یا ارزشیابی پایانی دانست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۰) (جدول شماره ۵). معاتبه در لغت به معنای خشم گرفتن و ملامت و

سرزنش کردن و عتاب نمودن است (دهخدا، ۱۳۳۸) و در اصطلاح اهل سلوک عبارت از آن است که سالک پس از مشاهده نافرمانی، تخلف و خیانت در مقام تأدیب نفس خود برآید؛ او را سرزنش کند و به‌نحوی مقتضی تنبیه و تأدیب کند. حقیقت معاتبه، نفس لوامه انسان است که همواره در دنیا او را به سبب گناه و نافرمانی از اطاعت خدا و کوتاهی در بندگی ملامت می‌کند و سبب نجات او در این جهان و آن جهان می‌شود (و سوگند به نفس لوامه و وجدان بیدار انسان) (قیامت: ۲) و به نوعی اعمال قوانین بازارزیابی برای بازگشت به حالت تعادل نفس است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم که سخن و وحی پروردگار سبحان بر قلب پیامبر اکرم ﷺ است، دربردارنده اصول اعتقادی، دستورهای اخلاقی، احکام عملی و همچنین راه و رسم رسیدن به مقام ربوبیت از طریق تربیت صحیح قوای مختلف انسانی است. لازمه رسیدن به این مقام، مشخص بودن اهداف، روش‌ها و شیوه‌های نیل به آن مقام است که به نظر می‌رسد خداوند ضمن توجه به این مقوله‌ها، محتوای قرآن را طوری طرح‌ریزی کرده است که با بهره‌گیری از آن بتوان مقصود را برآورده کرد. در نظام تعلیم و تربیت قرآن اهداف به دو صورت اهداف غایی، شامل عبادت یا عبودیت، تقوا، هدایت و رشد؛ و اهداف کلی (میانی)، شامل پرورش روح عدالت‌خواهی، استقلال و عزت جامعه اسلامی، دوستی با ملل دیگر، تزکیه و تهذیب یا پرورش شخصیت اخلاقی و برادری، همکاری و تعاون و پرورش روح اجتماعی ترسیم شده است. از لحاظ محتوایی قرآن دربردارنده موضوعات مختلفی همچون علوم طبیعی، بهداشت و تغذیه و به‌طور کلی مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، قوانین، روش‌ها و فعالیت‌هاست که با استفاده از معیارهایی همچون توالی، استمرار، تعادل، وسعت و وحدت و روش‌های تربیتی تمثیل و شبیه‌سازی، مشاهده، پرسش، اردوی علمی، الگویی، موعظه و تذکر، استدلال و امثال آن درصدد دستیابی به تربیت روحی (معنوی) و جسمی یا پرورش همه‌جانبه انسان است. البته انسان در مسیر نیل به این مقاصد، نیازمند خودارزیابی و ارزیابی بیرونی از طریق روش‌هایی همچون ابتلا، فتنه، محاسبه و مراقبه است.

منابع

- ابراهیمی، علی، ۱۳۷۷، *برنامه‌ریزی درسی* (راهبردهای نوین)، تهران، فکر نو.
- احسانی، محمد، ۱۳۸۷، «زبان قرآن و تعلیم و تربیت»، *معرفت*، سال هفدهم، ش ۱۳۰، ص ۸۶-۷۳.
- اخلاقی، عبدالرحیم، ۱۳۹۰، «نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن کریم»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۵۲-۱۲۷.
- اکرمی، سیدکاظم، ۱۳۷۵، «قرآن و برنامه‌ریزی درسی»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت*، ش ۵ و ۶.
- آقازاده، محرم و محمد احدیان، ۱۳۷۷، *راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی*، تهران، نورپردازان (پیوند).
- باقری، خسرو، ۱۳۸۳، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چ نهم، تهران، مدرسه.
- پاکزاد، عبدالعلی، ۱۳۹۰، «بررسی تحلیلی برخی از روش‌های تربیتی در قرآن»، *معرفت*، سال بیستم، ش ۱۶۰، ص ۳۲-۱۳.
- تایلر، رالف، ۱۳۷۶، *اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی*، ترجمه: علی تقی‌پور ظهیر، تهران، آگاه.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۸۸، «معانی مجازی در قرآن مجید» (بخش اول)، *ترجمان وحی*، سال سیزدهم، ش ۱، ص ۱۴-۴.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، اسراء.
- ۱۳۷۸، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، فطرت در قرآن*، تنظیم و ویرایش: محمدرضا مصطفی‌پور، قم، مرکز نشر اسراء.
- چوبینه، مهدی، ۱۳۸۵، *انتخاب محتوی و سازمان‌دهی محتوی*، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- حاج غلامرضایی، مهناز، ۱۳۹۱، «نکات مرتبط با محتواهای آموزش ارزش‌های دینی و اخلاقی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال چهارم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۱۶۵-۱۸۸.
- حسینی، سیدمحمدابراهیم، ۱۳۸۴، «روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه»، *مصباح*، سال چهاردهم، ش ۵۷، ص ۱۶۰-۱۴۵.
- حسین‌خانی نایینی، هادی، ۱۳۸۷، «روش تربیتی یادآوری نعمت‌ها»، *معرفت*، سال هفدهم، ش ۱۳۰، ص ۹۶-۸۷.
- حسینی، علی‌اکبر، ۱۳۰۸، *مباحثی چند پیرامون تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، ۱۳۸۶، «ارزشیابی آموزشی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ»، *تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۵، ص ۵۴-۳۷.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۸۶، «نظریه هدفمندی سوره‌ها؛ مبانی و پیشینه»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۵۱ و ۵۲.
- خوانساری، محمد، ۱۳۷۶، *منطق صوری*، چ دوازدهم، تهران، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۸، *لغت‌نامه*، تهران، سیروس.
- رستمی‌زاده، رضا، ۱۳۸۲، «الگوهای تربیتی در قصص قرآن کریم»، *پیوند*، ش ۲۸۲ و ۲۸۳.
- رضاپور، یوسف، ۱۳۸۰، «درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در المیزان»، *علامه*، ش ۱، ص ۷۲-۴۳.
- رضضانی، فاطمه و مسعود حیدری، ۱۳۹۱، «روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه»، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال نهم، دوره دوم، ش ۶ (پیاپی ۳۳)، ص ۱۹-۱.
- سیلور، ج. گ و الکساندر، و. م. و لوئیس، آ. ج، ۱۳۸۰، *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*، ترجمه: غلامرضا خویی‌نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- شاملی، نصرالله، کهندل جهرمی، مرضیه و زهرا قاسم‌نژاد، ۱۳۹۰، «معناشناسی سیستماتیک و رسم شبکه معنایی واژه قانون و مترادفات آن در قرآن کریم»، *حسنا*، سال سوم، ش ۹، ص ۱۱۳-۸۵.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۷۰، *تعلیم و تربیت اسلامی*، چ یازدهم، تهران، امیرکبیر.
- شعبانی، حسن، ۱۳۸۴، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی* (روش‌ها و فنون تدریس)، چ نوزدهم، تهران، سمت.
- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۸۳، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، چ نوزدهم، مشهد، به نشر.
- شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۴۲۵ق، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار التعطیلة الاربعه*، تهران، طلیعه نور.
- صابری، رضا، قنذلی، سیدجواد و عباسعلی رستمی‌نسب، ۱۳۸۹، «سازمان‌دهی محتوای برنامه‌های درسی با الهام از آیات قرآن کریم»، *معرفت در دانشگاه اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۱، ص ۱۵۳-۱۳۲.
- صادق‌پور، محمدحسین، ۱۳۷۹، «نگاهی به الگوهای مثبت و منفی در قرآن»، *مشکوه*، ش ۶۶، ص ۱۰۱-۸۴.
- صانعی، سیدمهدی، ۱۳۸۰، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، بی‌جا، سناباد.
- صدری‌فر، نبی‌الله و سیدابوالقاسم موسوی، ۱۳۹۱، «شاخص‌ها و اهداف تربیتی انبیاء ﷺ در قرآن»، *آفاق دین*، سال ۲، ش ۸، ص ۱۸۱-۱۵۷.
- صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی بن الحسن، ۱۴۱۷ق، *الامالی*، قم، مؤسسه بعثت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمداقرا موسوی همدانی، تهران، رجا.
- طوسی، اسدالله، ۱۳۹۲، رابطه قرآن و تعلیم و تربیت، برگرفته از سایت اندیشه قم به نشانی: <http://www.andisheqom.com/Files/quranshenasi>
- عباسی‌مقدم، مصطفی، ۱۳۸۲، کتاب روش، پیش شماره ۱، برگرفته از سایت حوزه: <http://www.hawzah.net/fa/magazine>
- فیض کاشانی، مولی محسن، ۱۴۰۲ق، *المحجة البیضاء*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۷، «روش تربیتی تذکر در قرآن کریم»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۶، ص ۹۲-۸۷.

قاسم‌پور دهقانی، علی و احمدرضا نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، «رویکرد معنوی و برنامه درسی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، ش ۱۳، ص ۹۲-۷۱.

قندیلی، سیدجواد، ۱۳۸۷، «بررسی واژه‌ها و مفاهیم اساسی برنامه درسی در قرآن و حدیث»، علوم انسانی، سال شانزدهم، ش ۷۳، ص ۵۹-۳۷.

گلستانی، سیدهاشم و مریم شکریان دهکردی، ۱۳۸۷، «فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام با تکیه بر آیات قرآن کریم و نهج البلاغه»، علوم قرآن و حدیث (کوثر)، ش ۲۹، ص ۱۲-۵.

لوی، آ، ریچ، ۱۳۸۳، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی مدارس، ترجمه: فریده مشایخ، تهران، مدرسه.

لطفی، امیرعلی، ۱۳۸۹، «درآمدی بر مطالعه قرآن به روش سیستمی و با رویکرد شبکه‌ای»، قرآن و علم، سال چهارم، ش ۶، ص ۱۴۵-۱۱۱.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، منتخب میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دار الحدیث. مصباح‌الهدی، مصطفی، ۱۳۸۸، «روش‌های تربیت در داستان حضرت موسی ﷺ در قرآن»، پژوهش‌های

قرآنی، ش ۵۹ و ۶۰.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، تعلیم و تربیت در اسلام، چ چهارم، تهران، صدرا.

ملکی، حسن، ۱۳۷۶، برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران، مدرسه.

— ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران، سمت.

— ۱۳۸۶، مقدمات برنامه‌ریزی درسی، تهران، سمت.

— ۱۳۸۵، دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی «مبنتی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»، کنگره علوم انسانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهرمحمدی، محمود و همکاران، ۱۳۸۱، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد، آستان قدس رضوی.

موسی‌پور، نعمت‌الله، ۱۳۸۲، مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، مشهد، آستان قدس رضوی و دانشگاه شهید باهنر.

میرزاییگی، علی، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی درسی و طرح درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی، تهران، یسپرون.

وطنی، اسدالله، ۱۳۷۵، «ویژگی‌هایی از قرآن به‌عنوان محتوای تربیتی با توجه به هدف‌های کلی تعلیم و تربیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

هاشمی، سیدحسین، ۱۳۸۹، «رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، ش ۶۱، ص ۱۱۳-۷۶.

John J. Cecero & Tracy A. Prout (2011). Measuring Faculty Spirituality and Its Relationship to Teaching Style. Religion & Education, 38:2, 128-140

Meehan, Christopher (2002): Promoting Spiritual Development in the Curriculum. Pastoral Care in Education: An International Journal of Personal, Social and Emotional Development, 20:1, 16-24.

Myers, C.B & Myers, L.K (1990). An Introduction to Teaching and Schools. Holt, Rinehart and Winston, Inc.

Patricia, L. Roberts and Richard D. Kellough. (2004). Aguide for developing Interdisciplinary the matic units, upper saddle River, New Jersey.